



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

نمایه در SID، ISC، Noormags،
GoogleScholar، Ensani، Magiran
www.jaml.ir
سال چهارم، شماره سیزدهم،
صفحات ۵۲-۲۹

نظری کوتاه به استشراف در عرصه‌ی فقه و حقوق اسلام

دکتر سعید جازاری معمولی عضو هیات علمی دانشگاه ادیان، گروه فقه و مبانی حقوق، تهران.

چکیده:

شرق‌شناسی، یک جریان فکری فراگیر است که در دوره‌ی جنگ‌های صلیبی به منظور مطالعه، شناخت و گفتمان پیرامون ماهیت اسلام شکل گرفت و تا عصر حاضر نیز ادامه یافته است؛ شرق‌شناسان در سده‌های اخیر با جدیت بیشتر جنبه‌های مختلف حیات فکری، سیاسی و اجتماعی مسلمانان را مورد مطالعه قرار داده و آثار بسیاری را نیز در این زمینه نگاشته‌اند. یکی از حوزه‌های مورد توجه مستشرقان، فقه و مبانی حقوق در اسلام است که مستشرقان در آن به گونه‌ای روش‌مند، مطالعه و نظریه‌پردازی داشته‌اند. این مقاله با روش تبیینی و تحلیلی و از طریق مراجعه به داده‌های کتابخانه‌ای، به نقد و بررسی آراء مستشرقانی چون گلدزیهر و شاخست که در زمینه‌ی فقه و حقوق اسلامی دیدگاه‌های قابل توجهی دارند، پرداخته است. نتایج حاصل از بررسی‌ها در این پژوهش نشان می‌دهد اکثر دیدگاه‌های این گروه از شرق‌شناسان از جمله اخذ حقوق اسلامی از روم یا آغاز فقه و حقوق اسلامی همزمان با گسترش فتوحات، به دلیل عدم دسترسی به منابع معتبر اسلامی بدون مطالعه‌ی دقیق و یا به گونه‌ای مغرضانه مطرح شده است.

واژگان کلیدی: شرق‌شناسی، فقه، حقوق، اسلام، گلدزیهر، شاخست، بوئر.

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم‌شناسی - حقوق بین‌الملل - حقوق خصوصی

*مسئول مکاتبات: Jazari_saeed@yahoo.com



۱- مقدمه

مطالعات فقه و اصول را می‌توان از شاخه‌های مباحث تاریخ دین، مطالعات تطبیقی و نیز جریان‌شناسی دینی برشمرد. درعین‌حال باید دانست که این نوع پژوهش‌های به عمل آمده توسط شرق‌شناسان که بر اساس رویکردی روش‌مند صورت می‌گیرد، در بسیاری موارد برای پیروان مکتب اسلام ناشناخته می‌ماند.

اهمیت «فقه» و «اصول» در اسلام، آن‌ها را به حوزه‌ای از پژوهش‌های روش‌شناختی مدرن غربی تبدیل کرده است که بیشتر عناصر آن با اندیشه‌های مقدس مسلمین مطابقت ندارد. این موضوع برای دانشمندان مسلمان، مانعی بر سر راه مشارکت مؤثر در بحث و نقد داده‌های آن‌هاست. بنابراین لازم است چند نکته را در نظر بگیریم:

باید دانست که در اندیشه‌ی عالمان مسلمان، اصول فقه همواره در جستجوی اندیشه و خرد برای تعیین راه‌کارهای عملی تحقق شریعت و انطباق زندگی مسلمانان بر آن است. در این رابطه مناسب است به تعبیر ابوحامد غزالی التفات کنیم:

«ارزشمندترین علم آن است که دو بهره را در نظر دارد: عقل و سمع که همراه با رأی، شرع و فقه و مبانی آن باشد...» (غزالی، ۱۹۹۸م: ۴/۱).

ثعالبی نیز بر این است که فقه، در مورد عبادات، یک علم دینی است که معطوف به آخرت می‌باشد. در مورد تمام اعمال مربوط به روابط و حل و فصل اختلافات، علم دنیا و آخرت است. (ثعالبی، ۱۴۱۶ق: ۶۲/۱).

برخی از اصالت اصول فقه به عنوان رویکرد روش شناختی فقه دفاع می‌کنند. برخی دیگر این موضوع را یک دفاع مقدس می‌دانند و میراث این علم را نتیجه‌ی نهایی اندیشه‌ی اسلامی و درک همه جانبه از اهداف گفتمان الهی بر می‌شمردند. با این حال، مخالفت‌هایی نیز با این نظریه مشهود است.

«برخی از علما گفته‌اند که علم اصول فقه، اصولی را از سایر علوم به عاریت گرفته است. این حقیقت، این علم را دست کم نمی‌گیرد؛ زیرا دانشمندان علوم مختلفی را مطالعه و جمع‌آوری کرده‌اند که مفید و مرتبط با تحقیق و هدف آن‌هاست. بنابراین آن علوم را به عنوان علمی که به عنوان یک راهنما یا مدرک شنیداری عمل می‌کند، تنظیم و قرار داده‌اند». (خضری: ۱۹۶۹م: ۱۷/۱)

این بینش به محققان اجازه می‌دهد تا در جستجوی دانش عمیق‌تر باشند؛ در واقع، محقق در این مورد از اصول معینی فراتر نمی‌رود؛ بلکه عالم مسلمان، در جست و جوی طرق مختلف



اسلام‌شناس تحولاتی پدید آورد. نظرات علما در مطالعات مستشرقین مورد توجه قرار گرفت و قالب تحقیقات آنان دربردارنده‌ی متن و نظر شد.

از جمله مستشرقان معاصر، افرادی مانند پل هروه پلوشو^۱، با تألیف کتاب «حقوق اسلام» توفیقاتی کسب نمود. کتاب «حقوق اسلام» نوشته‌ی شارل ریمودن^۲ را نیز باید در همین راستا ارزیابی نمود. دویره بودوان^۳ نیز از دیگر محققین اسلام‌شناسی است که از منظر مردم‌شناسی به بررسی فقه اسلام روی آورد. هم‌چنین، جاناتان برون^۴، محقق نسبتاً جوان آمریکایی نیز در رابطه با ماهیت فقه اسلامی تلاش گسترده‌ای نموده است. بررسی حدیث‌نگاری و قانون‌گذاری در اسلام و نیز مطالعه در صحاح و متون حدیثی و سبک اجتهاد، از آثار مهم وی به شمار می‌رود. (Raymond, 1965؛ Bleuchot, 2000؛ Brown, A. 2009؛ Baudouin, 2014؛ Brown, B. 2007)

در کنار این آثار باید به کتاب دیگری با همین عنوان اثر هانری دو وائل^۵ اشاره نمود که به بررسی ریشه‌های قواعد فقه و حقوق اسلام و پاسخ به این سوال که حجم مهم این احکام

کسب اندیشه و معرفت، به منظور تثبیت اصول استدلالی متناسب با شریعت اسلام می‌پردازد.

دانش «علم اصول» در منظر برخی از مسلمانان تنها به دایره‌ی احکام تشریعی نمی‌پردازد و در دیگر شئون حیات مسلمان نیز جریان دارد.

«بنابراین، اصول فقه به‌عنوان حوزه‌ای از علم ظاهر می‌شود که تنها به علوم اسلامی نمی‌پردازد، بلکه بر علوم ذهنی الهام‌گرفته از فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر که دارای شباهت‌های شناختی یا روش‌شناختی هستند، احاطه دارد.» (طه، ۱۴۱۴ق: ۹۳/۱).

استشراق، به «فقه» توجهی خاص دارد. این رویکرد فقه‌شناسی را باید به نیمه‌ی قرن نوزدهم ارجاع داد که اولین متون فقهی، مورد رصد محققین غربی قرار گرفت. سیره‌شناسان نیز در همین عصر، در مسیر مطالعاتی خود به نحوه‌ی قانون‌گذاری و تشریع در اسلام علاقمند گردیدند. در ابتدا نگاه به فقه، بیشتر به جستجوی منشأ و ریشه‌ی آن در دیگر ادیان مانند یهودیت و مسیحیت معطوف بود و از ابتدای قرن بیستم تحلیل مسلمانان در رابطه با تاریخ فقه نیز مورد نظر مستشرقین قرار گرفت که البته به معنای تأیید تحلیل‌ها و مبانی نظری آن نبود.

ورود استعمار به مصر و سپس در دیگر کشورهای اسلامی، کم‌کم در رویکرد مستشرقین

¹ Hervé Paul Bleuchot

² Charles Raymond

³ Baudouin Dupret

⁴ Jonathan Andrew Cleveland Brown

⁵ Henri de Waël



هنگامی که سخن از استشرق و اسلام‌شناسی به میان می‌آید، باید دانست که این دو جریان برخاسته از یک واقعیت مهم مطالعاتی، از درون سه محور یهودیان، مسیحیان و گروه سوم خارج از این دو در برابر اسلام است. با این حال، آگاهی از ابعاد آن می‌تواند ما را با حقایق متنوعی اعم از واقعیت جنگ‌های صلیبی تا عصر استعمار و نوآوری‌های علمی قرن بیستم آشنا نماید.

بسیاری از نویسندگان مسلمان، از جریان شرق‌شناسی نگرانند و آن را اسباب آشوب در اندیشه و فرهنگ اصیل اسلامی برمی‌شمردند. بعضاً نیز استشرق را فرایند تقابل دینی ذکر می‌نمایند.

عایشه عبدالرحمن، نویسنده‌ی معاصر معتقد است:

«واقعیت تاریخی تأکید می‌نماید که جریان استشرق در مرحله‌ی اول برای خدمت برای غرضی متفاوت شکل گرفت که شناخت اندیشه‌های جوامع شرقی، آشکارسازی اسرار درونی و میزان قدرت و ضعف آن‌ها برای توطئه‌ی حضور مبلغین دینی و فراهم‌سازی و گسترش زمینه‌ی استعمار در آفریقا و آسیا بود؛ هنگامی که از چگونگی شکل‌گیری جریان استشرق می‌پرسیم، جواب صریح این است که برای خدمت به کلیسای کاتولیک و بزرگان آن بود...» (بنت الشاطی، ۱۹۶۸م: ۵۲-۵۳)

فقهی که در متن قرآن نیامده، از کجا وارد نظام پیچیده‌ی حقوق و فقه مسلمانان گردیده؟ پرداخته است. (Henri, 1993)

برخی مستشرقین و محققین از مفاهیم و مصطلحاتی که توسط ابو زهره در سال ۱۹۵۸ م به کار رفته است، الهام گرفته‌اند:

«اصول فقه علمی است که روشی را که مؤثرترین علما (مجتهدین) برای استنباط احکام تشریعی از متون (الهی) وضع کرده‌اند، تبیین می‌کند. قیاس استنباطی عبارت است از استخراج عللی که احکام اسلامی بر اساس آن‌ها جعل می‌گردد و بر مصالح هدف الهی تأثیر می‌گذارد. ...» (ابوزهره، ۱۹۵۹م: ۱/ ۵-۴)

مستشرقان در اوایل دریافتند که فقه و اصول آن، کنترل روش‌شناختی بر اصول استدلالی جوامع اسلامی دارد و از این رو اهمیت آن‌ها را مشخص می‌کند. مستشرقان موفق شدند موضوع را از چهارچوب خود خارج کرده و به این نتیجه برسند که عرف ناشی از ادیان پیشین، اعم از آسمانی و غیر آن، در خدمت «فقیه» بوده است. بنابراین، حقوق‌دان برای پرکردن شکاف‌های عمیق ناشی از سرعت رشد و تحول زندگی بشر، به سراغ این دانش عقلی رفت و مستشرقان نیز توانستند به نکاتی از حقایق پنهان و آشکار این دانش بشری در جوامع اسلامی دست یابند.



برخی از مستشرقان بر جنبش‌هایی تأکید کرده‌اند که با روند رایج در جامعه‌ی مسلمان عرب تضاد داشت؛ در واقع آن‌ها به دگراندیشان به عنوان افرادی با تفکر منطقی، لیبرال و انقلابی نگاه می‌کردند. (النمله، ۱۴۱۶ق: ۳۱)

مضامین مطرح شده توسط خاورشناسان مبنی بر تعامل علمی و پیچیدگی متون نیست؛ بلکه بر اساس گرایش‌ها و انتخاب‌های شخصی است که دلالت بر نسبی بودن نتایج به دست آمده دارد.

بر طبق یک مطالعه‌ی کمی که توسط عبدالعادم الدیب انجام شده است، نشان می‌دهد که ۴۳ درصد از مجموع نشریات باستانی مستشرقان، در زمینه‌ی تصوف، فلسفه و کلام انجام شده است. حدود ۳۰ درصد از این نشریات، در رشته‌های تاریخ و سیره و تنها ۴/۳ درصد نیز در رشته‌های تفسیر قرآن، زبان، صرف و نحو عربی، ادبیات، جغرافیا، فقه، علم منتشر می‌شود. (النمله، ۱۴۱۶ق: ۳۱)

بنابراین، دانش ما از میراث اسلامی تحت تأثیر ترجیحات کسانی است که گنجینه‌های نسخه‌های خطی ما را تصرف کرده‌اند. آنان، نقشه‌ی شناخت ما را بر اساس انتخابی ترسیم می‌کنند که به ندرت با نیازهای ما مطابقت دارد. از این جهت، می‌توان گفت که مستشرقان هزاران شاهکار سازمان‌یافته، مکتوب و مستند شرقی را در اختیار کتابخانه‌های ما قرار داده‌اند

استشراق از طریق مکانیسم‌های مختلفی تحقق یافته است که عبارتند از: جستجوی کتب خطی و آثار گران‌بهای مخطوط در گوشه و کنار بلاد شرقی، مطالعه و تحلیل آثار شرقیان و ترجمه‌ی این آثار به منظور بهره‌برداری‌های مختلف.

بنا به نقل برخی منابع، ۷۵ درصد از نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های اروپایی یافت می‌شود، در حالی که تنها ۲۵ درصد آن‌ها در کشورهای عربی و اسلامی توزیع شده است؛ این اطلاعات به اوایل قرن چهاردهم قمری (پایان قرن نوزدهم میلادی)، باز می‌گردد. (النمله، ۱۴۱۶ ق: ۲۷) در کتابخانه‌ی ملی پاریس، شش میلیون کتاب و نسخه‌ی خطی وجود دارد که در میان آن‌ها هفت هزار نسخه‌ی خطی عربی شامل شاهکارهای علمی، ادبی، تاریخی و هم‌چنین آثار بسیار کمیاب یافت می‌شود. (عقیقی، ۱۹۶۴م: ۱۵۵)

برخی از محققان ذکر کرده‌اند که تنها ۵ درصد از میراث اسلامی به دست ما رسیده است. مطمئناً کسانی که ذهنی فهیم دارند به دنبال پاسخی برای این سؤال جالب هستند: از میان رفتن ۹۵ درصد (میراث ما) چه تأثیری بر وجدان و عقل دارد؟ هویت دینی یک مسلمان چگونه می‌تواند با این نقص جدی به حیات خود ادامه دهد؟



پس از آن، چاپخانه‌ی ونیز برای اولین بار «قرآن کریم» را منتشر کرد. اولین ترجمه‌ی قرآن به زبان ایتالیایی نیز در سال ۱۵۴۷م منتشر شد. برای درک گستردگی این موضوع، گزارشی در دست است که اشاره می‌کند که خادمان مساجد، تا اوایل قرن بیستم میلادی، نگهبانان این گنجینه‌ها بودند ... آنان به فروش عمده‌ی نسخ خطی می‌پرداختند؛ فیلیپ دو ترازی (متوفی ۱۹۵۶م)، جستجوگر مشهور کتب و نسخ خطی در کشورهای اسلامی، داستان خدمتکاری به نام ابن سلیمانی را روایت می‌کند که با حقوق ماهانه به عنوان کتابدار سه کتابخانه‌ی بزرگ در مساجد مصر منصوب شد. این مرد از طریق فروش نیشکر نیز امرار معاش می‌کرد. اما برای دریافت چند سکه بیشتر، دسته‌هایی از نسخه‌های خطی موجود در این سه کتابخانه را عرضه می‌نمود. (دیاب، ۱۹۹۳م: ۱۹۳)

در هر حال در مورد زمان دقیق آغاز نهضت استشراق، توافقی قطعی میان اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان وجود ندارد؛ البته در درون جوامع علمی اسلامی نیز در این مورد اجماع صورت نگرفته است. مقصود محقق از استشراق در مقاله‌ی حاضر، به صورت خاص، شاخه‌ی اسلام‌شناسی آن می‌باشد.

فقه و مبانی آن در قرائت مستشرقین

که دانشگاه‌ها و دانشمندان ما از این مجموعه‌های ارزشمند استفاده می‌کنند. مستشرقان برای انتشار و ترجمه‌ی آن‌ها به زبان‌های مختلف دست به کار شدند.

ما و نهضت احیا میراث اسلامی

برخی از جوامع اسلامی در قرن نوزدهم میلادی، از تقابل با دنیای غرب نگران شده و دست به اقدامی با عنوان «احیاء تراث اسلامی» زدند. در سال ۱۸۲۰م، محمدعلی پاشا پروژه‌ای را برای احیای نشر میراث اسلامی در مصر، در چارچوب پروژه‌ی رنسانس آغاز نمود و به همین منظور، انتشارات امپریه را در بولاق، یکی از محله‌های شهر قاهره ایجاد کرد. در زمان خدیو اسماعیل نیز، کتابخانه ملی مصر زیر نظر علی مبارک در سال ۱۸۷۰م تأسیس شد. این کتابخانه به شناسایی نسخه‌های خطی قدیمی و جمع‌آوری آن‌ها پرداخت؛ لازم به ذکر است که در این اقدام مهم، مستشرقین فرانسوی و انگلیسی نقش مهمی داشتند.

چاپ حروف عربی، که برای نخستین بار در آغاز قرن شانزدهم میلادی در اروپا صورت گرفت، در ایتالیا به دستور پاپ ژولیوس دوم در سال ۱۵۱۴م انجام شد. اولین کتابی که در همان سال به زبان عربی در آن‌جا منتشر شد، یک کتاب مذهبی با عنوان «السواعی» بود و سپس کتاب «الزبور» نیز در سال ۱۵۴۶م انتشار یافت.



«شریعت محمد چیزی نیست جز قانون روم امپراتوری شرقی که برای انطباق با شرایط سیاسی کشورهای عربی اصلاح شده است. قانون محمدی فقط قانون ژوستینیان رومی در حجاب عربی است». (رکبان، ۱۴۰۲ق: ۶۸) این مستشرقان ادعاهای خود را بر اساس شواهد مختلف ثابت کرده‌اند. آنان معتقدند، پیامبر اکرم(ص) به قوانین روم آشنایی کامل داشت؛ فقهای مسلمان نیز از نظرات حقوق دانان مکاتب حقوقی روم و نیز تصمیمات دادگاه‌های روم در کشورهایی که پس از فتح مسلمانان هنوز مدارس و دادگاه‌های آن برپا بود، مطلع شدند. همچنین مستشرقان معتقدند، شریعت [اسلام] و حقوق روم در مورد مقررات، احکام و اصول حقوقی شباهت‌هایی دارند. این امر ثابت می‌کند که شریعت [اسلام] از مقررات حقوق روم که متقدم بوده، الهام گرفته است. (رکبان، ۱۴۰۲ق: ۶۸؛ موسی، ۱۹۹۱م: ۸۳)

برخی مستشرقان در حین مطالعه‌ی فقه، همان رویکردی را دنبال کردند که در مطالعه‌ی حقوق روم به عنوان یک نظام حقوقی باستانی به کار می‌رفت؛ اما امروزه دیگر همان سطح قدرت و اثربخشی را حفظ نمی‌کند. در نتیجه، آن‌ها فرض کردند که فقه نیز یک نظام حقوقی نامعتبر است، از این رو تمرکز آن‌ها بر جنبه‌هایی از کاربردها و آداب و رسوم در جوامع مسلمان است که عمدتاً با آموزه‌های اسلامی در تضاد است. با

امروزه، شاخه‌ای از اسلام‌شناسان به حوزه‌ی مطالعات فقهی و علوم مرتبط با آن پرداخته‌اند. مطالعات فقهی مستشرقین در ابعاد مختلفی جلوه نموده است که مطالعات جریان‌شناسی، مطالعات مبتنی بر نوع فهم متون کلاسیک و متأخر، مطالعات مبنایی در راستای سندشناسی آثار فقهی و اصولی و دیگر شاخه‌های فرعی آن را شامل می‌شود.

برخی از اسلام‌شناسان معاصر، بر این موضوع تأکید دارند که اسلام نزدیک‌ترین دین به پارادایم یهودی است؛ جمعی از این مستشرقین نیز تمایل دارند که از نظریه‌ای حمایت نمایند که حقوق اسلامی، تحت تأثیر قوانین روم قرار گرفته است؛ اما در مورد درجات این تأثیرپذیری اختلاف نظر دارند. برخی از آن‌ها، مانند ایگناتس گلدزیهر^۶ (۱۸۵۰-۱۹۱۲م)، آلفرد ون کرمر^۷ (۱۸۲۸-۱۸۸۹م) و شلدون آموس^۸ (۱۸۳۵-۱۸۸۶م)، استدلال می‌کنند که فقه اسلامی از قوانین روم اخذ شده است. این قانون از نظر آنان، منبعی است که فقهای مسلمان بر اساس آن اساس نهاد حقوقی شریعت اسلامی را پایه‌گذاری کرده‌اند.

شلدون آموس در این خصوص چنین آورده است:

^۶ Ignaz Goldziher

^۷ Alfred von Kremer

^۸ Sheldon Amos



تحت تأثیر محیط قرار می‌گیرد. بنابراین، آنچه که در گذشته کاربرد داشت، ممکن است امروز کارساز نباشد، و آنچه که امروز کارکرد دارد، لزوماً در گذشته کارایی نداشته است.» (نمله، ۱۴۱۶ق: ۹)

دانکن بلک مک‌دونالد^{۱۲} در دایره‌المعارف اسلام و در مورد اصطلاح «اجماع» اشاره می‌کند که آنچه قبلاً بدعت تلقی می‌شد به اجماع پذیرفتنی شده و تصمیمات اساسی را لغو می‌کند. بنابراین، اجماع تنها بر استنباط قواعد مربوط به موضوعاتی که هنوز مورد بحث قرار نگرفته است، تمرکز نکرد، بلکه توسط آن می‌توان آموزه‌های ثابت بسیار مهم را نیز به کلی تغییر داد. بنابراین، مستشرقان معتقدند که مسلمانان می‌توانند اسلام با اجماع، آن‌طور که می‌خواهند تبیین کنند. برخلاف این نظر، اسنوک هورگرونجه^{۱۳} معتقد است که فقه منجمد است و در نتیجه اجماع نیز بی‌فایده است. (نمله، ۱۴۱۶ق: ۳۳)

مستشرقان با در دست داشتن متون اصلی و تفسیر، به شیوه‌ی خود به نتایجی دست یافته‌اند که هیچ ارتباطی با ویژگی‌های ساختار دینی اسلامی ندارد. وائل حلاق، استاد فلسطینی‌الاصل دانشگاه امریکا و متخصص در حقوق اسلام و مطالعات استشرافی که با نگاهی خاص به آثار

این رویکرد، به این نتیجه رسیدند که اسلام، فقهی را خلق کرده است که در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها قابل اجرا نیست. (عزوزی، ۱۴۲۵ق: ۲۴-۴۸)

به عقیده‌ی برخی از محققان، اولین کسی که نظریه‌ی اشتقاق فقه اسلامی از حقوق روم را ذکر نموده، یک مستشرق ایتالیایی با نام دومنیک گاتسچی^۹ است که در کتاب خود تحت عنوان «راهنمای حقوق عمومی و خصوصی عثمانی» به این مطلب اشاره داشته است. (Domenico, 2018)

وی به عنوان وکیل در دادگاه تجدیدنظر و یکی از اعضای در مؤسسه‌ی مصر فعالیت می‌کرد و از این طریق، میان آموزش علمی خود و تجربه‌اش در این زمینه در مصر پیوندی برقرار نمود و روند نفوذ حقوق روم به فقه اسلامی را از طریق احادیث ساختگی که به دروغ به حضرت محمد (ص) نسبت داده شده است، تبیین کرد. (دسوقی، ۱۴۱۶ق: ۴۸)

دانکن بلک مک‌دونالد^{۱۰} خاورشناس آمریکایی بر آن است که اجماع امت در مورد یک مسئله می‌تواند یک قانون باشد، حتی اگر با قرآن یا سنت با آن مخالفت نماید؛ این دیدگاه، توسط بیانیه مورو برگر^{۱۱} این‌گونه تبیین می‌شود: «دین

⁹ Domenico Gatteschi

¹⁰ Duncan Black MacDonald

¹¹ Morroe Berger

¹² Duncan Black MacDonald

¹³ Christiaan Snouck Hurgronje



اسلام‌شناسان می‌نگرد، در مورد پروژه‌ی فکری خود چنین اظهار می‌کند که هدفش مبارزه با بی‌عدالتی شرق‌شناسی بدون انکار نقش شرق‌شناسی در آشکار ساختن برخی موارد و موضوعات غیر قابل توضیح است. Hallaq, (Hallaq, 2003؛ 2005: 24-55)

ابوزه‌ره به این مسئله‌ی مهم اشاره می‌نماید:

«ما نمی‌توانیم بگوییم که شافعی در همه زمینه‌ها علم نهایی را به دست آورد و هیچ تکلیفی برای جانشینانش نگذاشت. پس از او دانشمندان دیگری نیز به بسیاری از سؤالات این علم افزودند، توسعه دادند، ویرایش کردند و به آن‌ها پاسخ دادند.» (ابوزه‌ره، ۱۹۵۹م: ۱۶)

برای اسلام‌شناسان و شرق‌شناسان بالمعنی‌الاعم یک اصل مفروض مورد تأکید است:

عربستان در زمان پیامبر(ص)، از نظر فرهنگی و برای تدوین نظام تشریعی محروم بود. منابع فرهنگی ضعیف اعراب در عصر ساختن شهرها و توسعه‌ی امپراتوری پاسخگو نبود. بنابراین، اعراب عناصر خاصی از فرهنگ‌های متعلق به سرزمین‌های مفتوحه از دو تمدن بیزانسی و رومی و همچنین ایرانی و ساسانی را پذیرفتند و بدین ترتیب سوریه و عراق گذرگاه علم تشریعی شدند. (حلاق، ۲۰۱۸م: ۲۵)

ایگناز گلدزیهر آثار متنوعی در بررسی فقه و حقوق اسلام و منابع آن از خود برجای گذاشته است. به عنوان مثال به بخش کوتاهی از نظریات او در کتاب «عقیده و قانون در اسلام» می‌پردازیم. قبل از ورود به بحث باید اشاره نمود که آراء وی چندان نیز مورد تأیید همه جانبه‌ی دیگر مستشرقان، همچون لویی ماسینیون قرار نگرفته است. (Goldziher, 1920)

عصر حیات گلدزیهر (۱۸۵۰م-۱۹۲۰م) دوره‌ی بسیار مهمی در زندگی مردم مسلمان بود؛ زیرا به نوعی دوره‌ی تلاش برای نابودی میراث اسلامی و هتک حرمت سرزمین‌های امت اسلامی به‌شمار می‌رود. گلدزیهر که متخصص زبان‌های نیز سامی بود، به سوریه، فلسطین و مصر سفر کرد و در آن‌جا در مسجد-دانشگاه الازهر به تعمیق دروس عربی پرداخت. او با شیخ «محمد عبده» آشنا گردید و با پوشیدن لباس الازهر، یکی از شاگردان این شیخ شد. گلدزیهر در این دوران، کتاب‌های داوود الظاهری و ابن‌حزم اندلسی را گردآوری کرد.

وی در زمینه‌های فقهی و ادبی اسلام و همچنین درباره‌ی یهودیان نیز نوشته است. از جمله آثار او در این حوزه‌ها می‌توان به کتاب‌های «یهودیان»، «اخلاق مناقشه شیعه»، «اسطوره یهودیان»، «اسلام» اشاره کرد؛ همچنین «فقه اللغة العرب»، «مجموعه الحطایة» و کتاب‌های متعدد دیگری



درج اندیشه‌های مبتنی بر حکمت در اصول اطاعت و ایمان به خداوند، دلیل تحریف آن می‌گردد. (Goldziher, 2003: 32)

این تصور از گلدزیهر، فرضی است که در اکثر آثار خاورشناسان علاقه‌مند به شکل‌گیری شریعت اسلامی رواج یافته است. اینان معتقدند که اسلام ناقص است و ارکان لازم را برای پیروان خود در اختیار نمی‌گذارد. بر اساس این مفهوم، توسعه‌ی بعدی بدون "جاسوسی" از تمدن‌های قبلی در طول سفرهای توسعه‌طلبانه، امکان‌پذیر نیست.

«متفکران مسلمان آزادی تفکر در مورد مسائل مذهبی را که تا آن زمان در کشورهای عربی محصور شده بود، فراهم کردند. از آن‌جا که تدوین امور زندگی عملی و عبادات در مبانی ضروری، در نوسان بود و ثبات نداشت، تحولات اندیشه‌ی اسلامی، تعریف صورت‌های عملی آن و تأسیس نظام‌ها توسط خلفا صورت گرفت. این دستاورد، تنها نتیجه‌ی ایثار و موفقیت بود. بنابراین، بی‌انصافی است که بگوییم اسلام «با رویکردی کل‌نگر به دنیا آمده است». از این‌رو بهتر است این گونه بیان شود که، اسلام و قرآن کامل نبودند و تکامل آن‌ها تنها به برکت تلاش‌های نسل‌های بعد محقق گردید». (Goldziher, 2003 : 44)

در زمینه‌ی لغت، فقه اسلامی، احادیث، قرآن، سیره‌ی نبوی، تاریخ، ادبیات و شعر عرب و ادیان از جمله آثار وی هستند.

او معتقد است که تصویر نهایی از اسلام، حاصل تأثیرات مختلفی است که برخی از این تأثیرات اخلاقی، و برخی دیگر قانونی و عقیدتی هستند. اسلام تا حدودی با عقاید و نظرات هلنیستی رنگ‌آمیزی شده و نظام فقهی آن، تأثیر حقوق روم را آشکار می‌کند. علاوه بر این، نظام سیاسی اسلامی که در زمان عباسیان تدوین شد، بازتاب‌دهنده‌ی اندیشه‌های سیاسی ایرانی است. تصوف اسلامی از نظر گلدزیهر، چیزی جز کپی‌برداری از اندیشه‌های فلسفی هند و افلاطونی نیست. (Goldziher, 2003 :11)

گلدزیهر اسلام را به عنوان نقطه‌ی تلاقی جنبش‌های فلسفی و دینی به تصویر می‌کشد. او بر این است که تعبیر «حکمت گمشده‌ی مؤمن است» نشان می‌دهد که میراث اسلامی تنها یک فرایند ساده «از صفر» است. او معتقد است، اسلام در همه‌ی این عرصه‌ها آمادگی و پتانسیل خود را برای نفوذ و سپس بازنمایی یا ادغام اندیشه‌ها تأیید می‌کند؛ بنابراین ماهیت این عناصر تنها از طریق تحلیل و تحقیقات انتقادی دقیق مشهود است. از نگاه او، اسلام در دومین بسط خود و با تأثیرات خارجی، دری را به روی دقت فقها در احکام و متکلمان می‌گشاید که



دینی یا دنیوی، مشمول قانون گذاری مدون شده است. خود قرآن فقط احکام معدودی را تصحیح کرده است که نمی تواند شامل همه ی این همبستگی های پیش بینی نشده ی ناشی از فتوحات اسلامی باشد، زیرا خود را به شیوه ی ساده ی زندگی اعراب محدود کرده است که برای این وضع جدید کافی نیست.» Goldziher, (47: 2003)

توسعه و حرکت درونی فقه، یک واقعیت مورد تأیید است. این طبیعت دین است که نیازهای انسان را در همه ی زمان ها و مکان ها برطرف کند. اما پیشینه ی نظریه ی معرفت دینی و زمینه ی استدلال فقهی که گلدزیهر به کار گرفته است، از سکولاریزاسیون فاصله گرفته و به نفی دین نزدیک می شود:

«و این حاکمان در جست و جوی زندگی دنیوی، اهمیت زیادی به ارزش گذاری دولت جدید قائل بودند و به این نیازها اهمیت خاصی نمی دادند. آن ها بیشتر به نظام های قانونی و مذهبی علاقه مند بودند که دولت را تقویت می کرد و از تصاحب آن چه که با شمشیر به نفع نژاد عرب تسخیر شده بود، حمایت می کرد.»

(Goldziher, 2003 :48)

حکومت های خودکامه نمی توانند استقلال بسیاری از قضات و حقوق دانان را انکار کنند. بررسی دقیق تاریخ به موازات تاریخ شاهان و

به عقیده ی گلدزیهر، رشد استدلال فقهی بدون توجه به اصول اولیه ی تثبیت شده، از یک تحول لیبرالی ناشی می شود زیرا اسلام تاریخی که از منابع بسیاری استفاده می کند، به سختی اسلام منبع اول را منعکس می نماید؛ این ایده، از اصول نظام شرق شناسی است.

دانش فقه، نقش عقل مسلمان را در استقرار نظام شناختی و اخلاقی نشان می دهد. با این حال، گلدزیهر با تحلیل خود به نتایج دیگری می رسد: «به دلیل ضرورت زندگی عمومی، توسعه ی فقه بلافاصله پس از رحلت پیامبر (ص) آغاز شد.» (Goldziher, 2003 :45)

گلدزیهر مسیر استدلال فقهی را این گونه مرور می کند که باید با مسائل جدید و هم چنین مشکلات جدید مبرم معاصر روبرو شود. مسائل فاجعه بار معاصر، به صورت جریانی سیل آسا در زندگی انسان ها وارد می شود، درحالی که فقه اصول گرا نیازمند تفکر و مطالعه ی عمیق است. وقتی این خاورشناس به این پدیده ی اجتماعی- فکری نزدیک می شود، می خواهد به نتیجه ای برسد که داده های اولیه ی او را ثابت کند. وی در این زمینه می افزاید:

«در شام، در مصر و در ایران، همه ی سنت ها و آداب و رسوم این کشورهای چندفرهنگی را با این قوانین جدید هماهنگ می کنند. به طور کلی، حیات حقوقی اسلامی، در مورد زندگی



در ارتباط با صحت و سقم منابع حدیثی نیز او اندیشه‌ی خاص خود را داراست:

تشکیک و عدم قطعیت به ظهور اصلی می‌انجامد که از آغاز بر فقه حاکم بوده و پیروان آن در کنار حدیث صحیح، از ابزارهای ثابتی برای استنباط احکام دینی استفاده می‌کنند؛ سپس این همبستگی‌های تجدید شده با استفاده از قیاس به بهترین شکل مدون شدند. (Goldziher, 1903: 49)

قیاس در مسایل فقهی، عرصه‌ی وسیع پژوهشی است. برخی از علما آن را با قیاس جفت کرده‌اند و برخی دیگر، رویکرد اسلامی آن را با اصول و نتایج ثابت کرده‌اند و کتب متقدمین، به تفصیل بحث اصول‌گرایان در این زمینه را شرح می‌دهد. بنابراین، راه برای رد ادعاهای غیر ثابت گلدزیهر هموار است. از سوی دیگر، حفظ اصالت پژوهش در این زمینه نیز به دور از هرگونه اعتماد کورکورانه‌ای که بتواند رویارویی متخصصانی را که غیبت آن‌ها به نفع خاورشناسان و پیروان آن‌ها باشد، به تأخیر بیندازد، ضروری است.

ما این مطلب کاملاً خلاف واقع را در کتاب گلدزیهر به عنوان یک واقعیت تاریخی می‌یابیم. او اعلام می‌کند:

«این آموزه‌های فقهی متأثر از فرهنگ‌های بیگانه بوده است. علاوه بر این، دانش حقوق اسلامی، به عنوان مثال، بر اساس تحقیقات جدید تأیید شده

خلفا، صفحات درخشان بسیاری از روحیه‌ی آزاده‌ی مسلمان را آشکار می‌کند. با این حال، گلدزیهر دیدگاه متفاوتی دارد. او اضافه می‌کند:

«در مسائل دینی زندگی روزمره، به روایات حقوقی بسنده کرده‌اند و بر اساس خواسته‌های ذهنی خود به اختلافات می‌پردازند. به این ترتیب و مطابق میل خود، معتقدم که آن‌ها قوانینی را که در زمان خلفای راشدین وضع شده بود، رعایت نکردند.» (Goldziher, 1903: 49)

روش تثبیت اصول بنیادین فقه به اندازه‌ی روشی که گلدزیهر توصیف کرده است، ساده یا آسان نبود. این چیزی است که او عمداً از قلم انداخته و در مورد آن اظهار نظر می‌کند:

«هر عمل یا حکمی در صورتی معتبر تلقی می‌شود که ثابت شود که منسوب به سندی طولانی است که به صحابه پیامبر (ص) که شاهد بوده و از زبان او شنیده‌اند، بازمی‌گردد. به واسطه‌ی این احادیث، روایات پس از تصدیق، چه در مورد عبادات و چه در امور شرعی، مقدس شده است.» (Goldziher, 1903: 48)

گلدزیهر درباره‌ی «حدیث»، ادعا می‌کند که متون نسخه‌برداری شده از عهد عتیق و جدید، سخنان خاخام‌ها، اناجیل ساختگی، آموزه‌های فلسفی یونانی یا گفته‌های ایرانی و هندی از طریق «حدیث» وارد اسلام شده است.



به هر حال، این نوشته‌های علمی فقهی که در قرن دوم قمری شکوفا شد، موضوع جدیدی به نام «علم فقه» به فرهنگ اسلامی اضافه کرد که به دنبال تمرکز دانش فقه بر جزئیات متعدد زندگی و معارف دینی، از ارزش آن کاسته شد تا جایی که به حد انحطاط رسید. دگرگونی سیاسی، تأثیر بسزایی در توسعه‌ی آن داشت زیرا روح اسلامی را به سمت مسیری جدید که مقصود، سقوط امپراتوری امویان و ظهور امپراتوری عباسی است، سوق داد.» (Goldziher, 2003 :59)

ارتباط بین تاریخ فقه و نظام قضایی اسلام با رژیم‌های حاکم در نوشته‌های تاریخی، کاملاً روشن است؛ درحالی‌که نوشته‌های شرق‌شناس این داده‌ها را در خدمت پیش‌برداشت‌های خود با هدف مغایرت با هرگونه اصالت یا فعالیت عقل در ساختار اسلامی تنظیم می‌کند.

گلدزیهر حدیثی را از پیامبر(ص) در خصوص اختلاف نظرهای میان مسلمانان ذکر می‌کند و معتقد است این حدیث از پیامبر(ص)، گویی مخاطبان ساده لوح را مورد خطاب قرار می‌دهد: در حدیثی که می‌فرماید: اختلاف امت من رحمت است، همه را به آشتی دعوت می‌کند.

شواهد فراوانی داریم که نشان می‌دهد این اصل، نشان‌دهنده‌ی مقاومت موفقیت‌آمیز در برابر حمله‌های دشمنان در داخل و خارج از این

و رگه‌هایی غیرقابل انکار چه در رویکرد و چه در مفاد فرعی، از فقه رومی دارد.» (Goldziher, 2003 :56)

اصطلاح «رویکرد» بیانگر روشی است که برای رسیدن به احکام اسلامی به کار رفته است که دقیقاً در تعبیر اسلامی علم اصول فقه است. گلدزیهر گاه‌شماری تاریخ اصول فقه را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که در خدمت نظریه‌ی اصلی او باشد. بنابر نظر او، مسلمانان به طور کلی از این حوزه‌ی شناختی به گونه‌ای عجیب محافظت می‌کنند که گویی فقه و مبانی آن معصوم بوده و از آسمان نازل شده است؛ هم‌چنین ناشی از تعقل بشری است که به دنبال یقین بوده و هرگز به آن نرسیده است که این موضوع را نشان از حکمت پروردگار تلقی می‌کنند. ما در مواجهه با ادعای برخی از خاورشناسان که تقریباً سعی در سلب اعتبار و هوشمندی فقه و اصحاب آن دارند، به نوشته‌هایی دست می‌یابیم که آن‌ها را به عنوان دو قلعه‌ی معصوم معرفی می‌کند؛ اما خوشبختانه برخی نوشته‌های متفکرانه که در میان نوشته‌های دانشگاهی اسلامی جای خود را پیدا می‌کنند، فقه و مبانی آن را به حوزه‌ی نبوغ زنده‌ی اسلامی ارجاع می‌دهند.

گلدزیهر به نتایج فرضیات خود، این جزئیات را اضافه می‌کند:



«امر» یا «نهی» که در متون ذکر شده، برای بیان مستحب یا مکروه (نوعی مخالفت با دین) به کار می‌رود، مجازاتی ندارد و غیرقانونی نیز محسوب نمی‌شود. (Goldziher, 2003: 67)

تمایز حکم شرعی و ماده‌ی قانونی برای مشاهده‌ی عینی ضروری است. به یاد داشته باشید که ترکیب آن‌ها به دلیل فرضیات اسلام‌شناسان فوق‌الذکر است.

یهودی بودن گلدزیهر با دقت در مطلب زیر ظاهر می‌شود؛ چنان‌چه در ظاهر به نظر می‌رسد انتقادی ساده به اسلام مطرح می‌کند و نبوت موسی علیه‌السلام را در این زمینه انکار نمی‌کند: خوردن حیوانات مجاز باید مقدم بر ذکر نام خدا باشد. این ممکن است اشاره به سنت یهودی به نام براخا باشد که باید قبل از ذبح و مصرف انجام شود. چشم پوشی از این تعهد ممنوع است. (Goldziher, 2003: 68)

مورخان مسلمان به قرائت‌های جامعه‌شناختی از مفاد فقهی با صراحت پاسخ می‌دهند. در این باره، از گلدزیهر می‌خوانیم:

«در این‌جا متذکر می‌شویم که اشعار خمیریت در اسلام و همچنین تأثیر شراب‌خواری بر فقها که حاکمان مؤمنان و والیان کشور بودند، بازتابی ندارد. گروهی که این سنت را دنبال می‌کنند

متون مختلف فقهی است که قطعی نیستند. تفاوت نظام اسلامی که در برخی از نوشته‌های مستشرقین به آن اشاره شده است، خطاناپذیری منابع و امکان ایجاد ساختار واحد اصولی به ویژه در روابط را رد می‌کند.

دیدگاه گلدزیهر درباره‌ی «قیاس» با دیدگاه «اجماع»، که در میان محققان بحث برانگیز بوده و هست، تفاوتی ندارد، اما نه به گونه‌ای که هدف شرق‌شناسان را برآورده کند.

در ابتدا دایره‌ی اجماع بیشتر به احساس جمعی اشاره داشت تا اهمیت مذهبی خاص؛ اما اسلام‌شناسان با صحبت از اجماع اصحاب پیامبر(ص) و یا ساکنان اصلی مدینه، سعی در محدود کردن آن در زمان و مکان بیهوده داشته‌اند. در واقع، این محدودیت قابل اثبات نیست. از سوی دیگر، شایسته نیست نظام دینی اجماع را آزاد، بدون محدودیت و تابع حس غریزی گروهی بگذارد... این اصل، در میان بدعت‌گذاران مسلمان عصر ما قابل توجه است، زیرا تبدیل به درگاهی شده که از طریق آن، جوانان جوینده وارد ساختار اسلامی می‌شوند.

گلدزیهر در رابطه با انعطاف‌پذیری فقه اسلامی می‌گوید: «بعضی از سؤالات پیچیده با گسترش دامنه‌ی توضیح متون و با تفسیری که به نفع الزام یا ممنوعیت در رویه‌ی قضایی است، ساده شده یا به آن‌ها پرداخته شده است. اصطلاح



کند کتب فقه اسلامی عاری از ضعف انسانی در جهت دور زدن دستورات است. گفتنی است، نقد متقابل فقها موجب تطهیر و پاسداری از عقل هدایت شده‌ی مسلمان می‌شود. در حالی که هدف گلدزیهر این است که رویه‌ی قضایی و مبانی آن، ابزاری مطابق با هوی و هوس باشد:

«در راستای تفاوت در «مجاز بودن» (حرام)، یک مهارت هنری با توجه به کمیت و کیفیت مورد نیاز استفاده شد. این امر موجب شده است که ادبیات مهمی در باب «تفاوت» در مکاتب مختلف فقهی جهان اسلام پدیدار شود. در اینجا کافی است ثابت کنیم که از دیدگاه نظریه‌ی تاریخی اسلام، اکثریت این مکاتب برای تطبیق فقه با واقعیات اجتماعی-واقعی زندگی، اصل «تفسیر» را در نظر گرفته‌اند که تلاشی برای تطبیق قانون محدود مکه و مدینه با شرایط متغیر جهانی جدید است. نیاز به تفسیر، پس از فتح سرزمین‌ها و ارتباط مستقیم با شیوه‌های مختلف زندگی کاملاً متفاوت با شبه جزیره احساس شد. (Goldziher, 2003 :73)

تحلیل گلدزیهر از پدیده‌ای شناخته شده در تاریخ فقه اسلامی به نتایجی می‌انجامد که امروزه توسط کسانی که افول جایگاه مسلمانان را به چنین پدیده‌هایی نسبت می‌دهند، مطرح می‌شود:

معتقدند: "شراب مادر همه بدی‌ها است". همه‌ی این‌ها موضوع آزادی و سهولت غلبه بر احکام شرعی شناخته شده است... برخی به دنبال این بودند که به این نتیجه برسند که به استثنای شراب انگور، سایر نوشیدنی‌ها فی‌نفسه ممنوع نیستند مگر این‌که باعث مستی شوند. با این حکم، احادیث فراوانی را مانند حدیث عایشه جعل کردند: «بنوشید ولی به مستی نرسید.» (Goldziher, 2003 :70)

صحت این سخنان منسوب به عایشه - رضی الله عنها - توسط علما در بخش نوشیدنی‌ها بیان شده است. اما درک مستشرقان از «حدیث»، به باور به توانایی تحریف ممنوعیت‌ها با تکیه بر قطعاتی از میراث بنیادین اسلامی منجر می‌شود. در مورد عدم رعایت حرام، در کتب تاریخ اسلام نیز مطالبی آمده است. چنان‌که گلدزیهر درباره‌ی شریک، قاضی کوفه در زمان خلیفه مهدی می‌گوید: «این قاضی در حالی که در سخن گفتن بوی شراب از وی به مشام می‌رسید، حدیث نبوی را بیان می‌کرد». (Goldziher, 2003 :72)

واگذاری احکام فقهی به واقعیت و اراده برای رعایت ارزش‌ها و وظایف دینی، امری است باید مورد تحلیل عینی قرار گیرد. مهم‌تر از همه، تخمین فقه در خدمت هوی و هوس، اغراقی عمدی از سوی گلدزیهر است، بدون این‌که ادعا



نجات وی وارد کرده است. در واقع، فتواها، قانونی هستند که نقشی ضروری را در فقه منعکس می‌کنند و اغلب برای یافتن نتیجه‌ی قانونی در مسائل اعتقادی به کار می‌روند تا وجدان را آرام کنند». (Goldziher, sal :64-67)

بنابراین چنین می‌توان گفت که گلدزیهر، فقه را غولی توصیف می‌کند که جزئیات زندگی یک مسلمان را می‌بلعد؛ اما در حقیقت، این عقیده‌ی وی، نشان دهنده‌ی درک سطحی اوست و غفلتی که از دیگر حوزه‌های وسیع زندگی مسلمانان دارد.

این نظرات، نمونه‌ای از استنباطات غیر واقع و دور از حقیقت اوست که بسیاری از دیگر اسلام‌شناسان غربی را به نقض و رد آن‌ها وادار نموده است. عالمان مسلمان نیز در جای جای آثار خود از ادوارد سعید گرفته تا دیگر معاصرین، به دیدگاه‌های گلدزیهر پاسخ داده‌اند.

پارادایم یوزف شاخت

یوزف شاخت^{۱۴} در سال ۱۹۰۲ م به دنیا آمد و در سال ۱۹۶۹ م درگذشت. او به نسخ خطی به ویژه آن‌هایی که در استانبول، قاهره، تونس و فاس در مراکش یافت می‌شد، توجه ویژه پیدا کرد و تا سال ۱۹۵۲ م، در بسیاری از

روحیه‌ای که در مکتب عراق حاکم بود، سنجش صحت و راستی‌آزمایی در خصوص کوچک‌ترین جزئیات بود. بنابراین، چنین دقت ملال‌آوری سبب گردید که حاشیه‌نویسی‌های بیهوده، تخیلات غیرعملی، تدبیر در امور، تفسیر کلام الهی و تدوین زندگی به ضلالت کشیده شود. (Goldziher, sal :64-67)

نقش گسترده‌ی فقیه در این میان، ممکن است مسائلی را در معرفت اسلامی پیش‌بینی کند. دانشمندان مسلمان با تمرکز بر سایر زمینه‌های شکل‌گیری معرفت، مانند رویکردهای صوفیانه، متوجه این مشکل شده‌اند؛ با این حال، وجود موارد عجیب و غیر قابل قبولی مانند موارد ذکر شده توسط گلدزیهر، الزامی بر رد آن‌ها را نیست، به ویژه که این موضوع، در کتب «فتوا» به وفور یافت می‌شود:

«...فقها در مورد قبول احصاء برخی اعضاء در حد نصاب لازم برای نماز جمعه بحث جدی کرده‌اند که ضرورت این سؤال را که باید در استدلال فقهی بررسی شود، نشان می‌دهد؛ همچنین موضوعات دیگری مانند مسأله‌ی نکاح انسان با جن (دیو، پری) و فرزندان حاصل از این نوع ازدواج و نیز پیامدهای ناشی آن از نظر حقوق خانوادگی نیز در این حوزه مطرح شده است.

افزون بر این، مطالعات فقهی با تحریف قاعده به نفع خود شخص خاطی، حيله‌ای قانونی را برای

¹⁴ Joseph Schacht



قوانین مصر مدرن به آنچه «احیای اسلامی» نامیده می‌شد، علاقه‌مند گردید. نظریه‌ی او در زنجیره‌ی انتقال که آن را "پیش بینی گذشته"^{۱۷} نامید، موجب شهرت او در جهان شد. او هم‌چون بسیاری از مستشرقان، این مفهوم محوری را پذیرفته بود که فقه، محصول توسعه‌ی تاریخی است. (زحیلی، ۲۰۰۶ م: ۳۴۵-۳۸۹)

برخی از مفاهیم برگرفته از کتاب «اصول الفقه» یوزف شاخت

به نقل یکی از اساتید در ترجمه‌ی عربی مقدمه‌ی این کتاب، می‌توان به تقابل متکبرانه‌ی شاخت در برابر امین الخولی، مفسر، که همکار شاخت در هنگام تدریس وی در دانشگاه مصر به عنوان استاد مدعو بود، پی برد. مراجعه به نامه‌هایی که در طول سال ۱۹۳۴ م، میان این دو استاد رد و بدل شده است، علاوه بر این که ارزش دانش علمی در هر دو طرف را نمایان می‌سازد، خبر از وجود منازعه‌ای دشوار میان آن دو می‌دهد؛ چرا که شاخت، دیدگاه‌های خود را بر اساس برخی مسایل جزئی در تاریخ اسلام و بدون توجه به ردیه‌ها و پاسخ‌های دانشمندان مسلمان بیان می‌نماید. (Schacht, 1935: 48-49)

وی در صفحه‌ی ۲۳ از این کتاب، از فراموشی برخی از آیات قرآن بر اساس آیه‌ی ۱۰۰ سوره

دانشگاه‌های بین‌المللی از جمله دانشگاه الجزیره تحصیل کرد تا جایی که در مطالعات قانون‌گذاری اسلامی (فقه و حقوق)، تاریخ و تأثیر آن شهرت یافت. از جمله آثاری که وی به مطالعه‌ی آن‌ها پرداخت و تصحیح نمود می‌توان به «کتاب الحیله و الخروج» ابوبکر الخصاص، «کتاب الحیله» ابوحاتم قزوینی، «خروجات در نیرنگ» محمد بن الحسن الشیبانی و دو کتاب از امام ابو جعفر الطحاوی «کتاب شفعه» و «کتاب حقوق و رهن» و «الرساله فی سیره النبی» ابن النفیس، اشاره کرد.

او هم‌چنین به تحقیق در کتاب احکام مذهب حنفی که توسط یکی از مستشرقان با نام برگستراسر^{۱۵} متولد ۱۹۳۳ م در آلمان نوشته شده بود، پرداخت و تعلیقی بر آن نگاشت. علاوه بر این، کتابی با عنوان «منشأ فقه» و کتابی دیگر تحت عنوان «گزیده‌ای از فقه اسلامی» تألیف کرد. وی هم‌چنین در انتشار ویرایش جدید فرهنگ لغت «واژه اصطلاحات حدیث» اثر آرنه یان ونسینک^{۱۶} (متولد ۱۸۸۲ م و متوفی ۱۹۳۹ م) اسلام‌شناس هلندی مشارکت کرد. در یکی دیگر از فعالیت‌های علمی‌اش به شرح کتاب «توحید» امام ابومنصور ماتریدی پرداخت و در انتشار «دائرةالمعارف معارف اسلامی» نیز حضور و مشارکت داشت؛ سپس از طریق شریعت و

¹⁵ Gotthelf Bergsträsser

¹⁶ Arent Jan Wensinck

¹⁷ Retroprojection



او در ادامه چنین مطرح می‌کند:

«آداب و رسوم عربی پیش از اسلام، که شامل بسیاری از عناصر خارجی اخذ شده از روم، بابل و یمن بود، تحت تأثیر تغییرات خاصی قرار گرفت تا با شرایط منطقه‌ای بادیه‌نشینان که در واقع ساکنان مکه به عنوان مرکز تجارت، و ساکنان مدینه به عنوان یک مرکز کشاورزی بودند، سازگار گشته و تداوم یابد؛ تا آن‌جا که به قانون‌گذاری مربوط می‌شود، محمد (ص)، فقط بر مسائل خاصی از جمله تصمیمات مربوط به زندگی اجتماعی که به دین بستگی دارد، پرداخته بود. در این راستا، انگیزه‌های بیرونی باعث شد که این گونه مسائل بیشتر مورد توجه قرار گیرند.» (Schacht, 1935: 50)

این نویسنده در ادامه ذکر می‌کند که: «پس از رحلت پیامبر(ص)، خلفا با پیروی از سنت (در رکاب حضرت محمد (ص)) و با هدایت نظر صحابه‌ی بزرگ سعی کردند بر امت حکومت کنند. در حالی که آن‌ها سعی در گسترش این اصول داشتند، در نهایت این‌گونه محقق شد که خلفا دامنه‌ی تفسیر خود را گسترش دادند و بنابراین، از معنای اصلی منحرف شد. همان چیزی که احتمالاً در پس پیدایش احادیث جدید بوده است... البته، بسیاری از قوانین عرفی حتی پس از تحت تأثیر قرار گرفتن از تأثیرات خارجی به دلیل فتوحات بزرگ در عراق، شام و

بقره و آیه‌ی ۶ سوره اعلی انتقاد می‌کند. در صفحه‌ی ۳۶ نیز اشاره می‌کند که رسول خدا (ص)، آیات قدیمی‌تر را جایگزین آیات قبلی مانند آیه‌ی ۱۰۳ سوره نحل و آیه‌ی ۱۰۰ سوره بقره کرده است. (Schacht, 1935: 23) وی هم‌چنین معتقد است که برخی از آیات قرآن با یکدیگر تناقض دارند و مفسران برای برون رفت از این بن‌بست، با آوردن سازوکار «نسخه» و «نسخ» به تأویل این آیات متوسل شده‌اند. به عبارتی دیگر نظر وی این است که مفسران به منظور خلاص شدن از تناقضاتی که در آیات قرآن وجود دارد، به تأویل آیات پرداخته‌اند. (Schacht, 1935: 39)

انحراف از سنت نیز در میان مستشرقان اسلام‌شناس به عنوان یک عقیده‌ی محوری در نظر گرفته می‌شود:

«محمد (ص)، قصد نداشت برای پیروان خود یک نظام زندگی ایجاد کند یا حداقل قوانین این نظام را اصلاح کند. برعکس، قوانین عرفی باستانی رایج در میان اعراب که تحت تأثیر بسیاری از عوامل خارجی از جمله عناصر منطقه‌ای، رومی، بابلی و یمنی قرار داشت را همراه با برخی اصلاحات، مجاز دانست. به دلیل شرایط بادیه‌نشینی حاکم بر منطقه و هم‌چنین تداوم روند عادی اسلام توسط او پذیرفته شد.» (Schacht, 1935: 48-49)



می‌دانند، هر چند که این مفهوم در قرآن به صراحت بیان نشده است» (Schacht, 1935: 61-63)

از سوی دیگر، شاخت تلاش دارد تا با بررسی «اسرائیلیات»، اثبات نماید که اندیشه و سنت یهودی در سنت اسلامی راه یافته است.

«رشد چشمگیر نقلیات حدیثی از منابع دیگر، عناصر مختلف جدیدی را در شریعت اسلامی، به‌ویژه آن‌هایی که مرجع اسرائیلیات یافته‌اند وارد نموده است». (Schacht, 1935: 63)

شاخت با مطالعه و تطبیق آثار فقهی و مکاتب آن در عراق، مدینه و غیر این دو منطقه، به بررسی برخی از مصطلحات فقها می‌پردازد. تحلیل رابطه‌ی عرف، اجماع و روایات در این نوع از تحلیل‌های وی، از اهمیت زیادی برخوردار است. بنابراین وی معتقد است:

«اجماع مدینه به هیچ وجه سنت خالص نیست. حقوق عرفی با اجماع اسلامی پوشیده شده است. برخی از مجموعه‌های طبقه‌بندی شده شیعیانی در عراق، تأثیری مشابه آثار مالک در مدینه دارند». (Schacht, 1950: 240-287)

در این‌جا باید اشاره نمود که شاخت مکتب فقهی شیعه را در انتساب به جریان پیروان امام علی (ع) به صورت محدود مورد بررسی قرار می‌دهد و صرفاً در منظر مقابله‌ی جریان شیعیان

مصر، بدون تغییر باقی مانده است». (Schacht, 1935: 56-58)

در مورد معادله‌ی «فقه رسوم» یا «دین سنت» نیز نظریاتی بسیار شبیه با دیدگاه گلدزیهر دارد و چنین مطرح می‌کند:

«حقوق عرفی در مناطق مختلف خلافت مسلمین، بدون چالش حاکم بود و در کنار دستگاه قضایی عملی، توسعه یافت؛ چرا که خلفای اموی تا زمان عمر بن عبدالعزیز موافق تغییر در این قانون عرفی نبودند و هنجارهایی را بر اساس دین تنظیم نموده بودند. (Schacht, 1935: 58)

شاخت با پرداختن به کوشش فقهای مسلمان - که آن‌ها را مردانی پرهیزکار می‌نامد - مبدأ بیانات صحابه را مورد انتقاد قرار می‌دهد. وی معتقد است که فقها، «مواد قانون» از «دیگری» (دیگر جوامع و مکاتب) را در قالب یک کلیت همانا هماهنگی با مبانی اسلام در نظامی خاص است، به گونه‌ای طرح‌ریزی می‌کنند که در آن قالب جای گیرد. این فقها عقاید دینی خود را از قرآن و احادیث - منابع شرعی آن‌ها - استخراج می‌کردند و از گفتار و کردار صحابه کسب می‌نمودند و خود را جانشین آنان می‌دانستند.

(Schacht, 1935: 58) بنابراین از نظر شاخت، «فقه اساساً به سنت نبوی (اعم از اصیل یا نادرست) بستگی دارد. مسلمانان سنت را معصوم



ضروری بود، آن‌ها به کمک آداب و رسوم موروثی خود یا به کمک اجتهاد به این چالش پاسخ می‌دادند. از طرفی، قوانین روم نیز تأثیر زیادی بر این رویدادها در شام و عراق که از ایالت‌های امپراتوری روم باستان بودند، داشته است». (بوئر، ۱۹۸۱ م: ۵۹)

تکیه بر اجماع در مدینه و مکتب مالک برای دی بوئر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود؛ به نحوی که توسعه‌ی آن را به مسئله‌ی جعل حدیث نسبت می‌دهد. با این حال، او چنین تصور می‌کند که مسلمانان عمدتاً به سلسله‌ی نقل روایت علاقه داشتند نه به خود روایت.

به گفته‌ی وی، فقهای مدینه، قبل از عصر مالک، به طور معقول به رأی با دامنه‌ای محدود متوسل می‌شدند؛ بعدها، مالک و پیروان وی نیز در آغاز چنین عمل می‌کردند. با این حال، مردم به تدریج روش عقیده را پس از تبدیل شدن به ابزار قانونی برای قانونی ساختن تصمیمات مبتنی بر هوی و هوس رد کردند. بنابراین، دیگاه کسانی که ادعا می‌کردند «در همه چیز باید به احادیث اثبات کننده‌ی سنت رجوع شود»، مورد توجه واقع گردید و به مرور، طرفداران زیادی پیدا کرد. بدین ترتیب، احادیث نبوی از چهارگوشه جمع‌آوری شد و حجم بزرگی از آن، تفسیر و یا حتی جعل شد. در نتیجه، نظام معیاری برای تشخیص احادیث اصیل از مجعول ایجاد شد تا

کوفی در برابر مکتب شافعی و دیگر مکاتب فقهی اهل سنت و تنها از رویکردی سیاسی مطالعه می‌نماید. (Schacht, 1950: 240-287)

پارادایم تی جی دی بوئر:

دی بوئر^{۱۸} (۱۸۶۶م-۱۹۴۲ م) خاورشناس هلندی آشنا به ادبیات عرب و متخصص در فلسفه‌ی اسلامی که در اثر مهم خود تحت عنوان «تاریخ فلسفه در اسلام» به بررسی اندیشه‌ی فلسفی در اسلام پرداخته است، از تتبع در فقه اسلامی نیز بی‌بهره نماند.

هرچند برخی از اندیشمندان مسلمان مانند ابو ریده در آراء و نظریات دی بوئر تأمل کرده و نقدهای جدی وارد نموده‌اند، اما در عین حال او را باید از محققین مؤثر در حوزه‌ی مطالعات فقه اسلامی برشمرد. دی بوئر معتقد است که اتکای مسلمانان به قوانین روم به دلیل گسترش دولت اسلامی در عصر فتوحات، اجتناب ناپذیر بوده است:

«مسلمانان پس از فتح بسیاری از کشورهای دارای تمدن باستانی، مجبور شدند با خواسته‌های کاملاً جدیدی روبرو شوند... در این شرایط، هر روز بر تعداد حوادث جزئی که هیچ اشاره‌ای در متون (دینی) نداشت، افزوده می‌شد. از آنجایی که حل این مشکل برای مسلمانان

¹⁸ Tjitze de Boer



نتیجه‌گیری

دانش فقه و حقوق در آیین اسلام، به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های تاریخ دین، مطالعات تطبیقی در اسلام و همچنین جریان‌شناسی دینی مسلمانان به شمار می‌رود. این دانش، همواره مورد توجه اندیشمندان مسلمان بوده و علاوه بر تمرکز بر احکام شریعت اسلامی، بر جوانب مختلف زندگی مسلمانان نیز تأکید داشته است؛ فقهای مسلمان از نخستین سده‌ی اسلامی تا کنون به دنبال یافتن راه حل‌های منطقی و مبتنی بر شریعت اسلام و آموزه‌های قرآنی و روایات بوده‌اند؛ در این میان شرق‌شناسان با هدف شناخت ماهیت اسلام و دیدگاه‌های مسلمانان و همچنین دانش‌های اسلامی، به مطالعه در حوزه‌های گوناگون دینی و معرفتی اسلام پرداختند. یکی از این حوزه‌ها، دانش فقه و حقوق اسلامی است؛ بررسی دیدگاه‌های شرق‌شناسان در خصوص مبانی فقه و حقوق اسلامی نشان می‌دهد بیشتر نظریات ایشان، بر پایه‌ی اطلاعاتی است که از آثار فقهای اهل حدیث بدان دست یافته‌اند و سپس با پیش‌زمینه‌های ذهنی که داشته‌اند، به تحلیل این داده‌ها پرداخته‌اند. مهم‌ترین نظریه‌ای که از جانب این مستشرقان مطرح شده در این خصوص است که مسلمانان از آغاز، توجه چندانی به فقه و حقوق در اسلام نداشته‌اند و صرفاً با گسترش فتوحات و نیازهای روزافزون

به حل مشکلات ناشی از جعل روایات پردازد. البته این معیارها بیش از آن که بر صحت و سقم حدیث در خصوص تناقض منطقی یا انتساب آن به پیامبر (ص) متمرکز باشد، بر سلسله‌ی سند و تناسب آن با مورد مورد مطالعه تأکید داشت. (بوئر، ۱۹۸۱ م: ۷۲-۸۶)

دی بوئر با توجه به دگرگونی نظام فقهی در اسلام و طبقه‌ی روحانی مسیحیت در دوره امپراطوری آن، بدون در نظر گرفتن موانع آشکار، قیاس می‌کند. وی به این نتیجه می‌رسد که مهم مفهوم روحانیت در اسلام وجود ندارد و فقیه مسلمان و قدرت واقعی نظارت بر وجدان یا میانجی‌گری بین فرد مسلمان و پروردگار را ندارد. (بوئر، ۱۹۸۱ م: ۷۲-۸۶)

دی بوئر معتقد است که خلق فقه چندان مورد استقبال قرار نگرفت، زیرا بسیاری از گروه‌های جامعه اسلامی به دلیل ماهیت آن آن را رد کردند. وی تایید کرد:

«همانند واکنش‌ها به هر بدعتی، فقه ابتدا برای تبدیل احکام شرعی به نظریه‌های اعتقادی، و انطباق با دستورات دینی به بررسی عمیق و دقت نظر با مخالفت‌های شدید مواجه شد. این امر اعتراض مردم متدین و دولتمردان استوار را برانگیخت. اما به تدریج علمای شریعت به عنوان وارثان واقعی پیامبران شناخته شدند.» (بوئر، ۱۹۸۱ م: ۷۲-۸۶)



- الدسوقي عید، السيد الدسوقي، (١٤١٦ ق)، *استقلال الفقه الاسلامي: عن القانون الروماني والرد على شبه المستشرقين*، القاهرة: مكتبة التوعية الاسلامية لاحياء التراث الاسلامي.
- عتيقي، نجيب، (١٩٦٤ م). *المستشرقون*، القاهرة: دار المعارف.
- غزالي، أبي حامد محمد بن محمد بن محمد، (١٩٩٨ م). *المستصفي*، بيروت: دار الكتب العلمية.
- طه عبد الرحمن، (١٤١٤ ق). *تجديد المنهج في تقويم التراث*، بيروت: مركز الثقافي العربي.
- موسى، محمد يوسف، (١٩٩١ م). *التشريع الإسلامي وأثره في الفقه العربي*، بی جا: العصر الحديث للنشر والتوزيع.
- النملة، علی بن ابراهيم، (١٤١٦ ق). *إسهامات المستشرقين في نشر التراث العربي الإسلامي دراسة تحليلية ونماذج من التحقيق والنشر والترجمة في بؤرة اهتمام الباحثين والمتخصصين المهتمين بعلوم المقائد*، رياض: مكتبة ملك فهد.

- Baudouin Dupret, La charia : des sources à la pratique, un concept pluriel, Paris, La Découverte, 2014
- Domenico Gatteschi, Real Property, Mortgage and Wakf According to Ottoman Law, Franklin Classics, 2018
- Henri de Waël, LE DROIT MUSULMAN.: Nature et évolution, Broché – 1 février 1993
- Hervé Bleuchot Droit musulman: Essai d'approche anthropologique (Collection Droit et religions) (French Edition) Paperback – January 1, 2000
- Goldziher, Ignaz, Le Dogme et la Loi de l'Islam, Paris, librairie Paul Geuthner, 1920. Traduction française par Félix Arin de l'ouvrage paru en 1910 en allemand, 315 pages. Réimpression éditions de l'Éclat, 2003 avec une introduction de Louis Massignon3.
- Jonathan A.C. Brown, Hadith: Muhammad's Legacy in the Medieval and Modern World, Oneworld Publications, Foundations of Islam series, 2009
- Jonathan A.C. Brown, The Canonization of al-Bukhārī and Muslim: The Formation and Function of the Sunnī Ḥadīth Canon, Brill Publishers, 2007
- Nathalie Bernard-Maugiron et Jean-Philippe Bras, La charia, Paris, Dalloz, coll. « A savoir », 15 février 2015, 192 p. (ISBN 978-2-247-13635-3).
- Raymond Charles, Le Droit musulman, éd. Presses universitaires de France, 1965
- Schacht Joseph, Bergsträsser, Gotthelf: Grundzüge des islamischen Rechts. Editor. Berlin-Leipzig 1935.
- Schacht, Joseph - The Origins of Muhammadan Jurisprudence, Oxford Press, 1950, page 240-287
- Wael B. Hallaq, The Origins and Evolution of Islamic Law (Cambridge, UK; New York: Cambridge University Press, 2005).
- Wael B. Hallaq, Was the Gate of Ijtihad Closed? The Early Essays on the History of Islamic Legal Theories / ed. and trans. Atsushi Okuda (Tokyo: Keio University Press, 2003

جامعه‌ی اسلامی، این حوزه از دانش در میان فقها مورد توجه قرار گرفت. در برخی موارد نیز با تکیه بر اسرائیلیات، نقدها و تحلیل‌های نادرستی را ارائه داده‌اند.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود. از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود. از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود. نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

۷- منابع

- ابو زهره محمد، (١٩٥٩ م). *اصول الفقه*، القاهرة: دار الفكر العربي.
- بنت الشاطی، عائشة عبد الرحمن، (١٩٦٨ م). *تراثنا بین ماض و حاضر*، القاهرة: دارالمعارف.
- ثعالبی، محمد بن حسن بن عربی بن محمد حجوى، (١٤١٦ ق). *الفکر السامی فی تاریخ الفقه الاسلامی*، بیروت: دار الكتب العلمية بیروت.
- الخضرى، محمد، (١٩٦٩ م). *اصول الفقه*، القاهرة: المكتبة التجارية الكبرى.
- حلاق، وائل، (٢٠١٨ م). *نشأة الفقه الإسلامی وتطوره*، بیروت: دار المدار الإسلامی.
- الركباني، عبد الله العلي، (١٤٠٢ ق). *دعوى تأثر الفقه الإسلامی بالفقه الرومانی*، بی جا: مجلة أضواء الشريعة.
- دياب عبد المجيد، (١٩٩٣ م). *تحقيق التراث العربی (منهجه وتطوره)*، القاهرة: دار المعارف.
- زحيلي، محمد، (٢٠٠٦ م). *الجهود المبذولة في جبهة السنة في القرن الرابع عشر الهجري*، دمشق: مجلة جامعة دمشق للعلوم الاقتصادية والقانونية
- دى بوئر، تاج، (١٩٨١ م). *تاريخ الفلسفة في الإسلام*، ترجمه ابو ريده محمد عبد الهادي، بيروت: دار النهضة العربية.
- غزوزى، حسن بن إدريس، (١٤٢٥ ق). *أصول المذهب المالكي في دراسات المستشرقين المعاصرين*، كويت: وزارة الاوقاف والشؤون الإسلامية.



Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC, SID, Noormags,
Magiran, Ensani, GoogleScholar
www.jaml.ir
forth Year, Issue 13
, Pages 29-52

A short comment on Orientalism in the field of Islamic jurisprudence and law

Dr. Saeed Jazari Mamoui

Member of the academic faculty of Adian University, Department
of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Tehran, Iran.

Abstract

Orientalism is an all-encompassing intellectual current that was formed in the period of the Crusades in order to study, understand and discuss the nature of Islam and has continued until the present day. In recent centuries, orientalists have more seriously studied various aspects of the intellectual, political and social life of Muslims and have written many works in this field. One of the fields of interest of Orientalists is jurisprudence and the fundamentals of law in Islam, in which Orientalists have studied and theorized in a methodical manner. This article has analyzed the opinions of Orientalists such as Goldziher and Schacht, who have significant views in the field of Islamic jurisprudence and law, with an explanatory and analytical method and by referring to library data. The results of the investigations in this research show that most of the views of this group of orientalists, including the acquisition of Islamic law from Rome or the beginning of Islamic jurisprudence and law at the same time as the expansion of conquests, due to the lack of access to authentic Islamic sources, are presented without careful study or in a biased manner. has been.

Keywords: Orientalism, jurisprudence, law, Islam, Goldziher, Schacht, Boer.

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

* Corresponding author: Jazari_saeed@yahoo.com